



سخنرانی در ضیافت افطار با وزرا، معاونین، استانداران و رؤسای سازمان‌ها

ایمان امام(ره) به پیروزی / خاطره‌ای از دیدار با امام در سال ۱۳۴۳ / شجاعت و توکل امام(ره) / ضرورت دنبال کردن راه امام(ره) / مسئولیت سنگین رأی مردم به دولت / ضرورت استفاده بهینه از روزهای پایانی دولت یازدهم / رأی مردم به تداوم مسیر دولت / رأی مردم به تداوم رشد اقتصادی / عهد دولت با مردم بر مبنای آزادی، امنیت، آرامش و پیشرفت / اهمیت امنیت و آرامش برای مردم / عدم پذیرش ملوک‌الطوایفی در استان‌ها از سوی مردم / اهمیت تابعیت همگان از قانون / رویکرد مردم به صندوق رأی برای حل مشکلات / احترام به آرای همه مردم / شیوه مدیریت بر مبنای رأی اکثریت / فعال نبودن همه اعضای دولت در دفاع از دولت / دفاع تمام قد برخی از اعضای دولت در دفاع از دولت / سینه سپر نکردن برخی در دفاع از دولت / پیش‌بینی مشکلات و سختی‌های انتخابات / هشدارهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص هجمه‌ها به رئیس‌جمهور در انتخابات / تحلیل‌های عالمانه روستاییان برای رأی به روحانی / رأی مردم به شیوه‌ها / نشان دادن راه از سوی مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلوه على رسوله و آله و صحبه المنتجبين

فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو الآصال

ان شا الله ماه مبارک رمضان برای همه ما، ماه رحمت و فیوضات الهی باشد؛ و این شب‌ها هم باید یاد کنیم از امام عزیز و بزرگوار که هر آنچه امروز از انقلاب، نظام و عزت کشور داریم، در سایه نهضت، انقلاب، مدیریت و راهگشایی او برای ما در مسیر حق و حقیقت بود.

امام (ره) با ایمان واقعی به خداوند، راه انقلاب، پیروزی و مجاهدتش، به موفقیت‌های بزرگ تاریخی دست یافت. هر کس این ایمان و عمل صالح و مجاهدت را در کنار هم قرار بدهد، البته هر کس در حد توانش و استعدادش، امام یک شخصیت استثنائی بود، اما ما می‌توانیم همان مسیر و راه را انتخاب کنیم و ادامه بدهیم.

من الان در ذهنم خیلی از خاطرات رژه می‌روند که بخواهم از امام بگویم، وقت و فرصت نیست. شاید باورتان نشود، من در شب تاسوعای سال ۱۳۴۳ (سالی که امام از زندان آزاد شده بود و هنوز تبعید نشده بود) در همین ایام خرداد، از

مدرسه حجتیه داشتم به سمت مدرسه خودم می رفتم، نزد استادی در مدرسه حجتیه آنجا یک درس خصوصی مطول می خواندم، ساعت حدوداً نه و نیم یا ده و آخر شب بود، من دیدم امام در این خیابانی که آن زمان به آن خیابان بهار و دم رودخانه می گفتیم، فکر می کنم از منزل آقای مرعشی می آمد، حالا نمی دانم چون من ایشان را سر خیابان دیدم. ساعت ده، ده و نیم شب تک و تنها بود و هیچ کس همراهش نبود. من جلو رفتم، سلام کردم، دست ایشان را بوسیدم و ایشان رفت. تنها و پیاده داشت به سمت خانه اش می رفت. من البته آن خیابان را آرام آرام چون اگر امام می فهمید ناراحت می شد پشت سر ایشان تا مسیر منزل شان رفتم.

امام همه جا اتکایش به خدا بود. شب اربعین سال ۴۶ در کربلا، امام از مدرسه آقای بروجردی که نماز مغرب و عشا را خوانده بود، بیرون آمدند؛ خدا آقای کوثری را رحمت کند آنجا روضه خواندند. ما هفت هشت ده نفر طلبه بودیم. گفتیم پشت سر امام برویم، دیدیم خیابان خیلی شلوغ است، اگر امام بخواهد تنها برود، همین جوری می آمدند و می دویدند، جمعیتی که بود و دسته هایی که می آمدند، چند قدمی که پشت سر امام رفتیم، امام برگشت و فرمود که شما کاری دارید؟ گفتیم: می خواهیم خدمت شما منزل بیاوریم. امام فرمود: نه، بعداً تشریف بیاورید. تک و تنها در میان آن جمعیت به سمت منزلش رفت. منزل امام نزدیک حرم مطهر حضرت ابوالفضل بود.

امامی که در وجودش ترس نبود، ایمان به حق بود، و در سخت ترین برهه های تاریخی به پیروزی رسید. راه امام را باید یاد بگیریم و بیاموزیم و مسیر امام را طی کنیم.

مردم بار مسئولیت بسیار سنگینی را بر دوش ما گذاشته اند. تک تک ما باید این بار ۲۴ میلیون رأی را روی دوش خودمان احساس کنیم. البته بار بقیه مردم، آن ۱۶ میلیون رأی هم به نحوی بر دوش ماست. بار کسانی که رأی هم نداده اند، بر دوش ماست. ما در برابر همه ملت مسئولیم.

شاید شما بگویید که الان دیگر در پایان دولت یازدهم هستیم. نه. یک روز اگر وقت داشته باشیم، بار بر دوش ماست. حالا که حدود ۷۵ روز فرصت داریم. در ۷۵ روز خیلی کارها می شود کرد و خیلی کارهای ناقص را می شود به اتمام رساند. شعار ما این بود که در نیمه راه نمی مانیم. ما به ملت مان گفتیم که راهمان را ادامه می دهیم.

مردم رأی نداده اند به اینکه کشور در بهترین شرایط است. نه، شرایط حتماً باید متحول و بهتر بشود. رأی مردم به مسیر است. مردم گفته اند مسیری که شما انتخاب کرده اید آنچه من از رأی مردم می فهمم درست بوده و ادامه بدهید. مردم گفتند با دنیا تعامل کردید، با دنیا تقابل نکردید، ادامه بدهید. مردم گفتند حقوق ما را در بخشی تأمین کردید، ادامه بدهید. مردم به ما گفتند که نظارت و کنترل بر امور پولی و مالی را انجام دادید، و تورم را کنترل کردید، این راه را ادامه بدهید. مردم به ما می گویند راه رشد اقتصادی و مسیر رشد را انتخاب کردید، از رشد منفی حدود منهای هفت (منهای ۶/۸) ما را به رشد ۸/۳ رساندید، که از آغاز چشم انداز تا امروز بی نظیر بوده است. نه اینکه مردم بگویند رشد ۸ درصد کافی است. می گویند این راه و مسیر درست است. با کوشش و تلاش بیشتر ادامه بدهید.

ما با مردم عهد کرده ایم و گفته ایم: قرار ما با شما در چهار سال آینده بر مبنای آزادی، امنیت، آرامش و پیشرفت است. ما این چهار کلمه را به مردم پیشنهاد داده ایم. مردم ما آزادی می-خواهند، نه تنها آزادی بیان، آزادی در انتخاب راه، آزادی در انتخاب شغل، آزادی در حرکت اجتماعی و آزادی در مسائل فرهنگی می خواهند. مردم آزادی را می خواهند. این شعار انقلاب شان است. به خاطر این انقلاب کرده اند.

مردم امنیت می خواهند، هم امنیت ملی هم امنیت اجتماعی هم امنیت فرهنگی هم امنیت قضایی. مردم می خواهند

زندگی، خانواده، بچه ها، مرزها، هوا و سرزمین شان امن باشد و امنیت داشته باشند. مردم امن و امنیت را از ما می خواهند. فضای امنیتی را از ما نمی خواهند. فضای امن را از ما می خواهند و ما باید این امنیت را در جامعه حفظ کنیم. مردم آرامش و زندگی آرام می خواهند. زندگی پرتنش و پر تشنج نمی خواهند و اینکه هر کسی صبح بیاید یک ادعا کند. همان طور که در سخنرانی های انتخاباتی ام گفته ام مردم ما قبول کرده اند که یک رهبر داشته باشند. ما نمی پذیریم که در هر شهر و استانی یک نفر ادعای رهبری کند. ما یک رهبر در کشور داریم و از فرمان های رهبرمان اطاعت می کنیم. ما یک قانون اساسی داریم. ما نمی پذیریم که هر کس قانونگذار باشد.

مردم ما یک فضای آرام می خواهند. آرامش مردم در صورتی امکان پذیر است که هر روز قانون را عوض نکنیم. هر روز زندگی مردم را تغییر ندهیم. سلیقه ما وارد زندگی مردم نشود. مگر ما حق داریم با سلیقه خودمان زندگی مردم را اداره کنیم و هرچه می خواهیم بگوییم؟ قانون هست و همه ما باید تابع قانون باشیم. هیچ کس حق ندارد از قانون تخلف کند و هیچ کس بالاتر از قانون نیست. همه در کشور ذیل قانون تعریف می شوند. اصل قانون و قانون گرایی است. کشور از آن ملت است. خیلی مهم است که مردم ما با آن شور پای صندوق آرا آمدند. مردم می دانند که با یک انتخابات همه چیز درست نمی شود. مردم می دانند که با چهار سال همه مشکلات حل نمی شود. اما مردم خوب فهمیده اند که تنها راه حل مشکلات و معضلات صندوق رأی است. ما هیچ راه دومی نداریم. در منطقه ما ببینید، آنهایی که راه دیگری را انتخاب کرده اند به کجا رفته اند؟ در چه شرایطی قرار گرفته اند؟

مردم ما پای صندوق آمده اند، رأی داده اند، در خارج از کشور و در داخل کشور افرادی در ۲۹ اردیبهشت پای صندوق آمده اند، می گوئیم رأی اولی ها یعنی کسانی که ۱۸ ساله شده اند، نه شصت و هشت ساله ها برای اولین بار آمده اند، هفتاد ساله ها برای اولین بار آمده اند. در داخل و خارج، من شخصاً اینها را می شناسم. آدم هایی که هیچ زمانی پای صندوق نرفته اند. مردم فهمیدند که تنها راه صندوق و رأیشان است و چه عظمت بزرگی را آفریدند و بار سنگینی بر دوش ما گذاشتند.

ما باید این راه و حرکت و مسیر را، مسیری که مردم به ما نشان داده-اند، ادامه دهیم. همه مردم محترم اند، هر کس به هر کسی رأی داده فرق نمی کند، همه محترم اند. تمام آرا مردم از نظر ما گرامی است و در برابرش تعظیم می کنیم. اما در عین حال وقتی اکثریت یک رأی را می دهند معنای خاص خودش را دارد. ۲۴ میلیون یک راه و مسیر و شعار را در پای صندوق آرا خودشان انتخاب کرده اند. بقیه مردم همه محترم اند، اقلیت هم محترم است، آنها هم حق شان محترم است و آنها هم باید مورد احترام باشند و آنها هم حق زندگی و آزادی دارند و آنها هم باید زندگی خوب داشته باشند. اما شیوه مدیریت بر مبنای اکثریت است.

ما البته در چهار سال دولت یازدهم مقداری سخت گیری نکردیم. حالا به دلایلی که من الان وقت ندارم والا برایتان توضیح می دادم. به هر حال همه افراد بدون استثنا در دولت زحمت کشیدند. کسی نیست که زحمت نکشیده باشد. کسی نیست که از دولت دفاع نکرده باشد. اما همه هم یک جور نبودند. مختلف بودند. بعضی ها با همه توان آمدند. ما روستایی هستیم و به قول روستایی ها بعضی ها گیوه را ورکشیدند و به میدان آمدند. بعضی ها آستین را بالا زدند و به میدان آمدند و بعضی ها هم پاشنه گیوه شان خوابیده بود و ورنکشیده بود و لخ لخ کردند و به هر حال کمی مسیر را آمدند و زحمت کشیدند و سعی آنها مشکور.

عده ای وقتی به دولت حمله می شد با همه وجود و قدرت آمدند و دفاع کردند. چون دفاع از دولت دفاع از ملت است.

اشتباه نشود، وکیل الدوله، وکیل المله، این حرف ها حرف های لاطائل است. دولت منتخب مردم است. ما جز رأی مردم چیزی نداریم. دولت و ملت نداریم. ملت دولت را انتخاب می کند و همه چیز مال ملت است. آن که از دولت دفاع می کند، از رأی مردم، اکثریت و از ملتش دفاع می کند. بعضی ها سخت شان بود که دفاع کنند. خیلی نرم و خیلی آرام حرف می زدند. اگر در تنگنای سی خبرنگار قرار می گرفتند در آن تنگنا کلمه ای می فرمودند. حرف نمی زدند، سینه سپر نمی کردند.

نمی شود، ما یک بار سنگین بر دوش داریم. هر که آماده است که این بار را بر دوش بگیرد باید داوطلب بشود. با خدایمان باید عهد ببندیم. من در این انتخابات می دانستم که چقدر سختی هست، کاملاً برایم روشن بود. به دوستان مان هم گفتم. با خدایم عهد کردم و گفتم خدایا جانم، حیثیتم و آبرویم را با تو معامله می کنم و به میدان می آیم. اولین کسی هم که این هشدار را به من داد و من تکان خوردم تابستان پارسال آیت الله هاشمی رفسنجانی رحمه الله علیه بود. به من گفت شما می-خواهید سال آینده به انتخابات بیایید؟ گفتم آقای هاشمی حالا خیلی زمان مانده و ... گفت نه، شل داری جواب می دهی.

این پیرمرد یک ساعت حرف زد و سخن گفت و بعد به من گفت که من یکی دو هفته دیگر باز هم می خواهم شما را ببینم و باز هم حرف دارم. الان کاملاً حرف ها، جمله هایش، لحن و نحوه سخنش جلوی چشم های من است و من بعد از صحبت با او با خدایم عهد کردم و گفتم خدایا حالا که من هم به همین نظر رسیده ام من هم خواهم آمد و می دانم که چه ها خواهند کرد. برایم روشن بود. نه اینکه به من اطلاعات می دادند، غیر از اطلاعات تحلیلاً هم می دانستم چه می شود. به میدان آمدیم. ما همه باید با هم بیایم، همه باید فداکاری کنیم. دو روز چهار روز ده سال و ... زنده ایم مهم نیست. باید از فرصتی که در اختیار ماست برای مردم، جامعه و کشورمان استفاده کنیم.

همان طور که آقای دکتر جهانگیری گفتند این کشور و ملت توان و قدرت کافی دارد. این ملت در این انتخابات چه کردند. جوان ها و زنان و مردان و روستاییان چه کار کردند. من در جمعیتی گفتم واقعاً من وقتی حرف آن روستایی خراسانی فریمانی، آن خانم مسن را شنیدم دیدم مسائل اقتصادی را از بهترین اقتصاددانان ما هم بهتر تحلیل می کند. چقدر خوب تحلیل می کند. می گوید برای چه رأی دادی؟ می گوید برای اینکه قبلاً از صبح که ما بیدار می شدیم قیمت جنس یک باره نسبت به روز قبل چند برابر می شد. در این چهار سال این جوری نشد. من برای این رأی می دهم. همه اقتصاد را در یک کلمه آورد. تورم، رشد و رونق اقتصادی و همه را در یک کلمه آورد.

جامعه ما می فهمد، درک می کند و به مسائل آشناست. این دفعه در این انتخابات بچه ها هم آمده بودند. بچه های ده ساله و دوازده ساله هم آمدند. اینها هم به خیابان آمدند و تبلیغ کردند.

بله، اهداف ما با اهدافی که رقبای ما می گفتند خیلی متفاوت نبود، همه می گفتیم باید به داد محرومان برسیم، همه می گفتیم باید اشتغال درست کنیم و اینها شعارها و اهدافی بود که مطرح می شد. شیوه ها متفاوت بود. مردم به شیوه رأی دادند والا اهداف که همه یکی بود و همه می گفتیم باید به محرومین کمک کنیم. همه می گفتیم می خواهیم اشتغال درست کنیم. باز همان خانم خوب حرف زد، گفت آنهای دیگر خیلی گنده گنده حرف می زنند و معلوم است که نمی شود. حالا به هر حال مردم این طوری تشخیص می دهند. یک روستایی است، می گوید معلوم است که آن حرف هایی که آنها می زنند نمی شود. ولی این آقا حرفی که می زد معلوم بود که شدنی است. پس مردم راه را به ما نشان دادند و به شیوه کار ما و راهی که ما باید انتخاب کنیم رأی دادند.

این ما هستیم و خدای رمضان. این ما هستیم و مولای ما امیرالمؤمنین. این ما هستیم و ماه رحمت و غفران الهی و ماه توفیق و برکت. مخصوصاً در شب‌های قدر که خیرمن الف الشهر است، از خدا بخواهیم که به ما توفیق بدهد که خادم این مردم خوب باشیم و هیچ چیز بالاتر از خدمت به این مردم نیست و امام چقدر روی این مسئله خدمت به مردم همیشه تأکید می‌فرمود. خدا این توفیق را به ما می‌دهد، اگر ما جدی باشیم و از خدا بخواهیم، مردم هم حامی ما خواهند بود و کشورمان را ان شاءالله با کمک مردم و لطف خداوند و رحمت حق و فیض الهی می‌توانیم بسازیم و کشوری پیشرفته کنیم، به حول و قوه الهی
والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته